

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۴، ش ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۴۰۲

صص: ۱۹۵-۱۷۷

شاپا: ۸۴۸۷-۲۲۵۱

کاربست نظریه‌ی مثبت‌اندیشی سلیگمن در داستان خسرو و شیرین نظامی

سمانه نیرومند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
دکتر نعیمه کیالاشکی (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
دکتر وجیهه ترکمانی باراندوزی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
دکتر مریم شاد محمدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران
چکیده

مسأله‌ی اساسی این پژوهش بررسی داستان خسرو و شیرین نظامی بر مبنای نظریه‌ی مثبت‌اندیشی سلیگمن، به روش توصیفی-تحلیلی است. اعمال و رفتار هر یک از شخصیت‌های این منظومه و مفاهیم گنجانده شده در لابه‌لای اشعار با فضایل و شاخصه‌های مثبت‌اندیشی مطرح در نظریه‌ی مذکور مطابقت داده شده و پس از تحلیل نتایج، داده‌های به‌دست آمده به شکل نمودار ارائه شده است. نظامی، در شخصیت‌پردازی اشخاص داستان خسرو و شیرین با دیدگاه حکیمانه‌ی خود به پرورش فضایل نیکوی انسانی و تعالی روحی و روانی شخصیت‌های منظومه‌ی خود توجه ویژه داشته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، شخصیت‌های این منظومه، آراسته به فضایل شش‌گانه مطرح در نظریه‌ی مثبت‌اندیشی سلیگمن هستند و ابیات راوی این فضایل، از بسامد بالایی در این اثر برخوردارند. عشق‌ورزی خردمندانه، انسانیت و مهرورزی نسبت به هم‌نوعان، شجاعت در وفاداری عاشق و معشوق نسبت به یکدیگر، به تعالی رسیدن این عشق ناب، وجود برخوردهای عادلانه و حفظ اعتدال در افکار و اعمال و رفتار خسرو و شیرین که شخصیت‌های اصلی این منظومه هستند، به میزان قابل توجهی مشهود است. شایان ذکر است برخورداری از این فضایل در مورد اشخاص دیگر منظومه نیز صادق است.

واژگان کلیدی: داستان خسرو و شیرین، نظریه‌ی مثبت‌اندیشی، فضایل شش‌گانه

Email: samanehniroumand@yahoo.com

naemekialashaki11@iauc.ac.ir

vajihet.torkamani@gmail.com

shadmohamadi80@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

۱- مقدمه

خسرو و شیرین بی‌تردید جذاب‌ترین اثر نظامی از لحاظ پرداخت داستانی، توصیف احوال و مناظر است. داستانی تقریباً طولانی، واقع در پهنه‌ای فراخ، طبیعتی دل‌انگیز، صحنه‌هایی سرشار از تجمل و جمال و تنوع و شکوه، قهرمانانی متعدد، توصیف دل‌انگیز راه پرماجرا و حالات پر زیر و بم عشق از مرحله‌ی مشاهده‌ی تصویر و سودای مبتنی بر خیال، کشاکش غریب میان التهاب و خویشتن‌داری، وجود رقیبانی در مسیر عشق برای خسرو (فرهاد) و شیرین (مریم و شکر)، ورود رقیبی نیرومند در کار ملک (بهرام چوبین)، هنرمندی باربد، نکیسا و شاپور، تداوم عشق شورانگیز پس از وصل تا سرحد جان‌فشانی، وجود فرزندی پرخاش‌جوی و پدرکش و ...، دست به دست هم داده تا پرافت و خیزترین منظومه‌ی نظامی پدید آید (وحید دستگردی، ۱۳۹۸: ۲-۱).

داستان خسرو و شیرین از قرن چهارم به بعد وسعت و دگرگونی یافته و بین مردم رواج داشته و به صورتی که در خمسه مذکور است، به نظامی رسیده بود؛ چنین می‌نماید که بخش عمده‌ای از این اثر، سرگذشتی است عاشقانه در محیطی اشرافی با کیفیات و ویژگی‌های خود و با روابط و رفتارهایی که در چنین محیطی انتظار می‌رود. نظامی با استفاده از خواننده‌ها و شنیده‌ها و مشاهدات خویش و به مدد وسعت تخیل و قدرت تعبیری که داشته، در سرودن این منظومه و تجسم فضای داستان و تقریر صورت برونی و احوال درونی قهرمانان و واکنش آنان در برابر حوادث و با یکدیگر توفیق تمام یافته است (ثروت، ۱۳۷۲: ۵۹۰-۵۸۷).

منظومه‌ی خسرو و شیرین همان‌طور که خود نظامی بارها متذکر شده، محصول عشق است و حال و هوای عاشقانه. این داستان، یادگار روزگار خوش نظامی با همسر اولش «آفاق قبچاقی» است. نظامی، مرگ آفاق را در بهار زندگانی و آغاز جوانی، در صحنه‌ی مرگ شیرین با آن همه زیبایی و دل‌ربایی که رخت از جهان بریست و چهره در نقاب خاک کشید، با تمام وجود و احساسش نسبت به آفاق توصیف می‌کند. نباید از نظر دور داشت که به دلیل این که روزگار نظامی تحت تأثیر و مصادف با عقاید و اندیشه‌های عرفانی و فلسفی شیخ اشراق (سهروردی) و سنایی بود و ایشان مایه‌ی هستی و آفرینش را در عشق می‌دانستند، نظامی نیز عشق را عیار ارزش انسانی می‌دانسته است (محمدی، ۱۳۹۸: ۲۶۵-۲۶۴).

۱-۱- بیان مسأله و سوالات تحقیق

مفاهیم مشترک ادبیات و روان‌شناسی که ریشه در ناخودآگاه انسان دارند از سویی و اشراف شاعران و عارفان گذشته ایرانی بر علوم گوناگون زمان خود از دیگر سو، اشتراکات فراوان فکری را بین فرهنگ کهن و غنی ایرانی-اسلامی و ابداعات دانش و فن‌آوری امروز،

در حوزه‌های مختلف، پیش چشم قرار می‌دهد (اخروی و بهنام‌فر، ۱۳۹۵: ۳۸۸). نظامی در نظم منظومه خود، چنان ماهرانه به توصیف حالات روحی شخصیت‌های داستان و پرورش خصایص نیکو در آنان نظر داشته است که می‌توان شخصیت‌های این منظومه را با نظریه‌های مختلف روان‌شناسی مورد ارزیابی قرار داد.

تحلیل و بازخوانی روایت‌های کهن منظوم و منثور بر اساس نظریه‌های جدید، می‌تواند در شناخت بیش‌تر و عمیق‌تر این آثار مؤثر واقع شود (درپر، ۱۳۸۹: ۶۶). هدف این پژوهش بررسی روان‌شناسانه این داستان با تکیه بر نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن و ایجاد پیوند بیشتر میان دو حوزه ادبیات و روان‌شناسی است. این جستار بر آن است به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- انطباق خصوصیات اخلاقی و رفتاری شخصیت‌های منظومه خسرو و شیرین نظامی با فضایل مطرح در نظریه مذکور چگونه است؟

- کدام‌یک از فضایل شش‌گانه نظریه سلیگمن در این منظومه، نمود بیشتری دارد؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و بررسی فضایل نیکوی انسانی شخصیت‌های منظومه خسرو و شیرین نظامی است که با دقت در احوال و اعمال آنان در مواجهه با مسائل و مشکلات، در راه رسیدن به هدف، با نگاه به نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن حاصل می‌شود. انجام این پژوهش‌ها، دیدگاهی نو در تحلیل و بررسی آثار ادبی، از جمله حوزه ادب غنایی و منظومه خسرو و شیرین نظامی است؛ لذا گامی نو در مسیر تحول و ترویج پژوهش‌های میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود و می‌تواند زمینه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر در این حوزه فراهم کند و به وحدت‌بخشی بیشتر بین شاخه‌های مختلف علوم انسانی منجر شود.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

در این جستار که به شیوه کتابخانه‌ای و بر مبنای توصیفی-تحلیلی است، پس از مطالعه کامل منظومه خسرو و شیرین، فضایل نیکوی اخلاقی-انسانی در شخصیت‌های این منظومه با تکیه بر فضایل شش‌گانه مطرح در نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن، بررسی شد و پس از استخراج ابیات مرتبط با هر یک از فضایل و فیش‌برداری و انطباق نتایج حاصل با هریک از شخصیت‌های داستان، نمودار مربوط به فضایل شش‌گانه ارائه گردید.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی متون ادبی زبان فارسی با تأکید بر نظریه سلیگمن به ذکر مواردی که بیش‌ترین قرابت موضوعی را با پژوهش حاضر دارند اشاره می‌شود: مقاله «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی» نوشته پروین گلی‌زاده و همکاران

در مجله پژوهش‌های ادب عرفانی (۱۳۹۵)، به چاپ رسیده است. بر پایه نتایج حاصل از این پژوهش، کلید هر معمایی را باید در باطن جست و دل و ذهن را که محل تجلی حق است، باید از افکار تیره زدود؛ زیرا نگرش مثبت، شفاف‌بخش و حامل خیر است. مقاله «بررسی شخصیت سیاوش با نظریه مثبت‌اندیشی سلیگمن» نوشته وجیهه ترکمانی و سمانه نیرومند در مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (۱۳۹۸) به چاپ رسیده است. بر مبنای این جستار، سیاوش، اسطوره‌ای سراسر نیکی و فضیلت است و فضایل این نظریه را در عالی‌ترین درجه در وجود خود دارد. علی‌رغم پژوهش‌های بسیار در حوزه آثار نظامی، اثری که به بررسی مؤلفه‌ها و فضایل اخلاقی شش‌گانه مطرح در نظریه مذکور در منظومه خسرو و شیرین پردازد، یافت نشد و بسامد بالای عناصر مثبت‌اندیشی در این منظومه، مایه ضرورت بررسی و تحلیل گردید؛ از این‌رو جستار پیش‌رو به مثابه پژوهشی نو محسوب شده و بر آن است که چگونگی استفاده شاعر از این فضایل را در جهت هدف‌مندی اشعارش آشکار نماید.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- مارتین سلیگمن

مارتین سلیگمن پژوهش‌گری برجسته است که از اقدامات اصلی وی، معرفی و پیش‌برد روان‌شناسی مثبت‌نگر به عنوان یک روی‌کرد علمی بود.

۲-۲- روان‌شناسی مثبت و نظریه مثبت‌اندیشی

در قرن بیست و یکم، روان‌شناسی پیشرفته غرب در بن‌بستی قرار گرفت که علم و ثروت دیگر نتوانست روح کمال طلب بشر را راضی نگاه دارد. روان‌شناسی مثبت در این تنگنای افسردگی، با ارایه دیدگاهی نو کوشید تا از مشکلات روانی بشر گره‌گشایی کند (خوشحال و عباسی، ۱۳۹۶: ۳۰-۳۱). سلیگمن و همکارانش با روش علمی و طبقه‌بندی مفاهیم توانستند مجموعه کاملی از مفاهیمی چون خردورزی، عدالت، شجاعت، شادی، امید، خوش‌بینی، نوع‌دوستی، عشق و... را در یک مکتب جدید فکری با عنوان رویکرد مثبت‌نگر معرفی نمایند (عینی، ۱۳۹۵: ۲۹۰-۲۹۱). علم روان‌شناسی مثبت بر سه سطح مختلف؛ ذهنی، فردی و گروهی استوار است. سطح ذهنی همان مطالعه تجارب مثبت مانند شادی، رضایت و خوش‌بینی است. هدف سطح فردی، شناسایی اجزای زندگی خوب است و شامل ویژگی‌های لازم برای شخص خوب بودن است. در سطح گروهی، تأکید بر فضایل مدنی است (شریفی و رضاخانی، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). روان‌شناسی مثبت‌گرا موجب می‌شود از عواملی که به افراد، به صورت فردی یا جمعی، کمک می‌کند تا به رشد و بالندگی برسند، شناخت بیشتری پیدا کنیم و آن‌ها را بهتر به کار بندیم (مگیار- موئی، ۱۳۹۹: ۱۹).

۲-۳- فضایل شش‌گانه‌ی مطرح در نظریه‌ی مثبت‌اندیشی سلیگمن

سلیگمن شش فضیلت را به عنوان ویژگی‌های اساسی مورد تأیید تقریباً تمامی سنت‌های مذهبی و فلسفی برگزیده و معتقد است آن‌ها با هم عقیده‌ی منش خوب را به دست می‌دهند (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۱۷۳). فضایل: خرد، شجاعت، انسانیت، عدالت، خویشتن‌داری و تعالی، صفات اصلی و جهانی هستند که فلاسفه‌ی اخلاق و متفکران مذهبی آن‌ها را ارزشمند دانسته‌اند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۳۳). طرق مختلفی برای نیل به هر فضیلت، وجود دارد که همان قابلیت‌های منش هستند. طبقه‌بندی این فضایل شامل بیست و چهار توانمندی است و صفات مثبتی مانند شجاعت، مهربانی را در بر می‌گیرد (همان). کنفوسیوس، ارسطو، آکوئیناس و سایر سنت‌های معتبر، با وجود اختلاف در جزئیات، شش فضیلت اساسی ذکر شده را در بر می‌گیرند. همگرایی سنت‌های فلسفی متفاوت در طی هزاران سال، امری مشهود است و روان‌شناسی مثبت‌گرا این توافق بین فرهنگی را راهنمای خویش کرده است (سلیگمن، ۱۳۹۷: ۲۱ و ۲۲).

۲-۳-۱- خرد و دانایی

خرد، شامل دانش گسترده و عمیق درباره شرایط زندگی و امور انسانی و قضاوت متفکرانه درباره‌ی کاربرد این دانش است. خرد، نوعی هوش ناب و اصیل است که در حضور آن، هیچ‌کسی رنجیده نیست و همه قدردان و سپاس‌گزارند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۷۳). این فضیلت از طریق توانمندی‌هایی مانند خلاقیت، کنجکاوی، عشق به یادگیری، آزاداندیشی و آنچه که ما آینده‌نگری می‌نامیم- یعنی داشتن یک تصویر کلی از زندگی- خود را نشان می‌دهد (همان: ۳۳).

سلیگمن توانمندسازی قوه‌ی تعقل را یکی از راه‌کارهایی می‌داند که انسان را به مرزهای زندگی سالم هدایت می‌کند. تعمق در حکایت‌ها و ابیات خسرو و شیرین، نشان می‌دهد که نظامی همواره در صدد هدایت انسان به زندگی بهتر و برخوردار از روابط بین فردی سالم با اتکا به تقویت خرد و مؤلفه‌های آن بوده است.

در آغاز این مثنوی خرد همچون استادی در پی تعلیم فنون خردورزی به خسرو است: به هر سالی که دولت می‌فزودش خرد تعلیم دیگر می‌نمودش

(نظامی، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

نظامی ایمان دارد که خرد ما را به دانش راهنمایی می‌کند و در سایه‌ی خرد است که عشق به یادگیری انواع فنون و دانش‌ها در وجود انسان شعله‌ور می‌گردد:

خرد ما را به دانش رهنمون است حساب عشق از این دفتر برون است

(همان: ۱۹۱)

پذیرش و استفاده بجا از تجربهٔ دیگران، از نشانه‌های خردورزی است. نظامی در این مثنوی، از حضور زنی به نام «مهین بانو» سخن می‌راند که نماد تعقل است. شیرین به تجارب ارزشمندی که مهین بانو در خصوص رابطه با خسرو، به وی انتقال می‌دهد، تا پایان داستان عمل می‌کند؛ لذا در هیئت زنی خردمند در داستان ظاهر می‌شود که وجود خود را پایمال هوس مردان جامعه نمی‌کند.

ولیکن گرچه بینی ناشکیبش نبینم گوش داری بر فریش
نباید کز سر شیرین زبانی خورد حلوای شیرین رایگانی

(همان: ۱۵۲)

تجربه‌پذیری شیرین تنها در سخن نمود پیدا نمی‌کند بلکه نظامی در لابه‌لای ابیات روایت بارها به طور عملی، تعهد شیرین به سخنان و تجارب مهین بانو را تصویر می‌کند. در ابیات زیر، پاسخ شیرین به شاپور و رد تقاضای خسرو، مؤید تجربه‌پذیری و خردورزی شیرین است:

نه هر گوهر که پیش آید توان سفت نه هرچ آن بر زمان آید توان گفت

(همان: ۱۸۶)

خردمندی خسرو در کنار چند خصیصه مهم نمود می‌یابد که کنجکاو از زمرهٔ این خصایص است. هنگامی که انسان به دنبال دانستن مبدأ وجودی خود است، در حقیقت کنجکاو دانستن پاسخ سؤالات مهمی در خصوص آفرینش است. از کجا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ و... این سؤالات نشأت گرفته از ذهن کنجکاو بشر و در این داستان، خسرو است: دگر ره گفت ما این جا چرائیم کجا خواهیم رفتن وز کجائیم

(همان: ۲۷۶)

بیش‌تر شخصیت‌های این منظومه از بصیرت برخوردارند و مسایل را به خوبی تحلیل و مشکلات را ریشه‌یابی می‌کنند. خسرو، هستی‌ریاکار را به خوبی می‌شناسد و مترصد فرصتی است تا مکر روزگار را نقش بر آب کند.

از این ابلق سوار نیم‌زنگی که در زیر ابلقی دارد دو رنگی
مباش ایمن که با خوی پلنگ است کجا یکدل شود آخر دو رنگ است

(همان: ۱۸۰)

بخش مهمی از تشویق نظامی به یادگیری، در سؤال و جواب‌های بین خسرو و بزرگامید شکل می‌گیرد. سؤال‌های خسرو از بزرگامید، نشان دهندهٔ عشق او به یادگیری است. در ابیات زیر، خسرو به روشنی در می‌یابد که شیرین می‌خواهد وی را در دانش‌اندوزی به جایگاه ویژه‌ای برساند. خسرو نه تنها با این تمایل مخالف نمی‌کند بلکه داوطلبانه، بزرگامید را نزد

خود می‌خواند و از او کسب فیض می‌کند:

چو خسرو دید کان یار گرامی ز دانش خواهد او را نیک نامی
بزرگ امید را نزدیک خود خواند به امید بزرگش پیش بنشانند
که ای از تو بزرگ امید مردان مرا از خود بزرگ امید گردان

(همان: ۲۷۵)

نظامی در بخش «اندرز و ختم کتاب» در اهمیت انتخاب راه درست و لزوم ژرف‌نگری و عدم توجه به ظواهر دل‌فریب دنیوی چنین می‌گوید:

... تو در بردار و دریا را رها کن چراغ از قبله ترسا جدا کن
مبین کاتشگهی را رهنمون است عبارت بین که طلق‌اندود و خونست
عروسی بکر بین با تخت و با تاج سر و بن بسته در توحید و معراج

(همان: ۳۰۲)

۲-۳-۲- شجاعت

توانمندی‌های شجاعت منعکس‌کننده تمرین خودآگاهانه قدرت اراده‌اند تا به رغم سختی‌های زیاد به سوی اهداف ارزشمند حرکت کنند. شجاعت در جهان تحسین‌برانگیز است و هر فرهنگی قهرمانانی دارد که نماد این فضیلت هستند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۱). دی. پوتنام (۱۹۹۷)، ضمن توصیف شجاعت، سه نوع آن را مشخص کرده است: فیزیکی، اخلاقی و روان‌شناختی. شجاعت فیزیکی هنگام غلبه بر ترس و... ابراز می‌شود. شجاعت اخلاقی، حفظ اصالت اخلاقی است که ممکن است به بهای از دست دادن دوستان، کار یا منزلت اجتماعی تمام شود. شجاعت روان‌شناختی نیز شجاعت ذاتی برای روبه‌رو شدن با اهریمنان درونی خویش است (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۶۸). شهامت، پشت‌کار، سخت‌کوشی، یکپارچگی (اصالت، صداقت) و سرزندگی (اشتیاق، قدرت)، توانمندی‌های این فضیلت را بیان می‌کنند. شجاعت بازتاب اعمال هوشمندانه افراد است. آدمی در رویارویی با مسایل و رویدادها، واکنش‌های مختلفی را نسبت به مقتضای حال، از خود نشان می‌دهد. این رفتارها زمانی در حیطه شجاعت می‌گنجند که در مواجهه با شرایط سخت، بروز می‌کنند.

در خسرو و شیرین نظامی، قابلیت‌های مربوط به فضیلت شجاعت در رفتار قهرمانان اثر، تجلی می‌یابد. در این اثر، خسرو به صفت شجاعت ستوده می‌شود؛ وی آن‌جا که لازم است شهامت به خرج دهد، دست به شمشیر برده، سختی سنگ را شرمند می‌کند.

چو دارد دشنة پولاد را پاس بسنباند زره ور باشد الماس

چو باشد نوبت شمشیربازی خطیبان را دهد شمشیر غازی
(همان: ۱۲۹)

شیرین، زنی شجاع، آزاد و دلیر در داستان عاشقانه نظامی است. وی در غیاب خسرو، شجاعانه، بر مرکب سوار شده و چرخ را به بُهت و می‌دارد:

جنیبت را به یک منزل نمی‌ماند خبر پرسان خبر پرسان همی راند
تکاور دست‌برد از باد می‌برد زمین را دور چرخ از یاد می‌برد
(همان: ۱۳۳)

در میان زنان این منظومه، فضیلت شجاعت صرفاً به شیرین اختصاص ندارد بلکه همه زنان پیرامون او نیز از این خصیصه نیکو برخوردارند؛ چنان‌که در چوگان بازی، نظامی شجاعت آنان را مورد توجه قرار می‌دهد:

چو شیر ماده آن هفتاد دختر سوی شیرین شدند آشوب در سر
به مردی هر یکی اسفندیاری به تیر انداختن رستم سواری
(همان: ۱۵۳)

بزم‌هایی که در آن عهد برپا می‌شد اسباب طرب مخصوص به خود داشت که شکار از جمله آن‌هاست. نظامی زمانی که قصد دارد شجاعت خسرو را توصیف کند، او را در صحنه شکار به تصویر می‌کشد. ابیات زیر که مبارزه تن به تن خسرو با شیر و کشته شدن شیر به دست خسرو را نشان می‌دهد، مهر تأیید دیگری بر شجاعت اوست:

برآمد تند شیری بیشه پرورد که از دنبال می‌زد بر هوا گرد
...کمان کش کرد مشت‌ی تا بناگوش چنان بر شیر زد کز شیر شد هوش
(همان: ۱۵۶)

شجاعت فقط قد علم کردن در برابر دشمن و اظهار دلیری نیست، چه بسا افرادی که با شجاعت در کلام، توانسته‌اند دلیری خویش را به عنوان یک خصیصه اخلاقی مثبت بر صفحه روزگار حک کنند. حق‌گویی، شهادتی می‌طلبید که در وجود برخی از شخصیت‌های حکایت دیده می‌شود.

فسون‌گر در حدیث چاره‌جویی فسونی به ندید از راست‌گوئی
(همان: ۱۲۸)

شجاعت کلامی شیرین در داستان، مثال‌زدنی است. او رخصت کام گرفتن به خسرو نمی‌دهد. شرط او ابتدا کاوین بستن است بعد کامرانی.

به دارائی که تن‌ها را خورش داد به معبودی که جان را پرورش داد

که بی‌کاوین اگر چه پادشاهی زمن بر نایدت کامی که خواهی
(همان: ۲۴۹)
فرهاد نیز پشت‌کاری مثال زدن دارد. او دل در گرو عشق شیرین دارد. مناظره خسرو و فرهاد بیان‌گر جدیت فرهاد برای رسیدن به معشوقه است. او حاضر است جان عزیزش را نثار کند اما قدمی در راه عشق شیرین عقب‌نشینی نکند:

بگفتا دوستیش از طبع بگذار بگفت از دوستان ناید چنین کار
(همان: ۱۹۹)
او سخت‌ترین پیشنهادها را برای وصال شیرین می‌پذیرد و عاقبت در راه عشق، جان را فدا می‌کند. مرگ فرهاد، نتیجه اخلاص در عشق است که تصویرگر شجاعت در وجود اوست:

به شیرین در عدم خواهم رسیدن به یک تک تا عدم خواهم دویدن
صلای درد شیرین در جهان داد زمین بر یاد او بوسید و جان داد
(همان: ۲۰۸)

۲-۳-۳- انسانیت

انسانیت در روان‌شناسی، با عنوان رفتارهای نوع‌دوستانه یا جامعه‌پسند تعبیر می‌شود. رفتارهای نوع‌دوستانه به دلیل حفاظت خانواده و تعهد به هنجارهای اجتماعی است. صرف‌نظر از دلایل واقعی نوع‌دوستی و رفتارهای جامعه‌پسند، انسان‌ها این توانایی را دارند و حتی گاهی آرزو دارند که در فعالیت‌های مرتبط با گذشت، مهربانی یا خیرخواهی مشارکت کنند؛ فعالیت‌هایی که بر اساس توافق ارزشمند به‌شمار می‌آیند و موجب ارتقای معنوی افراد می‌شوند. اگر هدف نهایی ما ارتقای رفاه دیگران باشد، انگیزه رفتار ما نوع‌دوستی است. این واکنش هیجانی با همدردی، دلسوزی و خوش‌قلبی مترادف است (کار، ۱۳۸۵: ۸۹-۸۸) و احساسی خوشایند برای فرد به ارمغان می‌آورد (گلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰). توانمندی‌های مربوط به این فضیلت در تعامل اجتماعی مثبت با دیگران خود را نشان می‌دهد (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۶). این توانمندی‌ها عبارتند از: مهربانی (گذشت، مهرورزی و خوبی)، عشق و هوش اجتماعی.

نظامی در آثار خود مروج انسانیت است. در ورای واژگان آثارش، همواره تندیس مردی به چشم می‌خورد که دغدغه انسان شدن و انسان ماندن را دارد که این همان هدف روان‌شناسی مثبت‌نگر سلیگمن است.

نظامی، پیامبر اکرم (ص) را به عنوان الگوی مهربانی معرفی می‌کند:

یتیمان را نوازش در نسیمش از آن جا نام شد در یتیمیش
(همان: ۱۰۰)

شاعر بارها از زبان شخصیت‌های برجسته‌ی داستان، مهربانی به دیگران را فرا یاد می‌آورد. در بخشی از داستان، خسرو از شیرین می‌خواهد که با حفظ آرامش درونی در رفتار خویش نسبت به دیگران مهربانی پیشه کند:

شبان‌ی پیشه کن بگذار گرگی مکن با سر بزرگان سر بزرگی
(همان: ۲۳۴)

شیرین نیز خوبی و مهربانی را پاس می‌دارد:
هنوزم در دل از خوبی طرب‌هاست هنوزم در سر از شوخی شغب‌هاست
(همان: ۲۳۵)

اشخاص این منظومه، از حاکمان تا افراد معمولی، بخشنده‌اند. آنان هم به سهولت از خطای دیگران می‌گذرند و هم توانایی داد و دهش دارند و از آن‌چه دارند ایثار می‌کنند. به اعتقاد شاعر، داشتن امکانات مادی، می‌تواند بخشندگی را وسعت بخشد:

درآمد مرد را بخشنده دارد زمین تا درنیارد بر نیارد
(همان: ۲۶۷)

خسرو نیز دست بخشنده‌ای دارد. شاعر هنگامی که می‌خواهد از عزیمت شیرین به قصر مدائن تصویرگری کند، بخشش و سخاوت خسرو را برجسته می‌سازد. او بنا دارد شخصیتی کمال یافته از خسرو را نشان دهد.

...به هر گامی که شد چون نوبهاری شهنشه ریخت در پایش نثاری
چنان کز بس درم‌ریزان شاهی درم روید هنوز از پشت ماهی
(همان: ۲۶۸)

نظامی همچون روان‌شناس حاذقی، سرنوشت شوم بدمهری و کینه‌ورزی را در شخصیت شیرویه به نمایش درمی‌آورد. محصول کین او، مرگ انسان است:

به بالین شه آمد تیغ در مشت جگرگاهش درید و شمع را کشت
چنان زد بر جگرگاهش سر تیغ که خون برجست از چون آتش از میغ
(همان: ۲۸۶)

ارتباط دو سویه، در عشق فرهاد و شیرین نیز به چشم می‌خورد. هر چند شیرین به عشق خسرو وفادار است، با نگاهی انسان‌مدارانه به فرهاد، مهر در دلش می‌جوشد. او به چشم یک انسان به فرهاد عشق می‌ورزد، از مهربانی او در حق خویش سپاس‌گزار می‌گردد و

با مرگش مویه سر می‌دهد. شیرین نماد انسان مهربانی است که در حق دیگران، کینه‌ورزی ندارد. مهر پراکنی خوی ذاتی او است.

سراینده چنین افکند بنیاد که چون در عشق شیرین مُرد فرهاد
دل شیرین به درد آمد ز داغش که مرغی نازنین گم‌شد ز باغش

(همان: ۲۱۰)

شیرین همچون خسرو در این منظومه روی در نقاب خاک می‌کشد. نظامی با ترسیم پایان تلخ این حکایت قصد دارد تا نقش عشق و مهربانی را در تقویت روابط انسانی نشان دهد. در نبود عشق، انسانیت رنگ می‌بازد و کینه و دشمنی، نشانی از جوامع انسانی بر جای نمی‌گذارد.

۲-۳-۴- عدالت

اگر عدالت را قرار گرفتن هر چیز در جای خود بدانیم آن‌گونه که حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه فرموده‌اند: «العدل یضع الامور مواضعها» (۱۳۹۶: ۵۲۶)، این فضیلت به آن‌چه که زندگی را قابل قبول می‌کند، اشاره می‌کند و در جوامع غربی، معمولاً به معنای مساوات ترجمه می‌شود (اسماعیلی و یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۵۶). قابلیت‌های این فضیلت عبارتند از: شهروندی (وظیفه‌شناسی، کارگروهی، وفاداری)، انصاف و برابری و رهبری. این توانمندی‌ها در فعالیت‌های مدنی مشهودند، فراتر از روابط فردی هستند و چگونگی ارتباط با گروه‌های بزرگ‌تر مثل خانواده، جامعه و جهان را نشان می‌دهند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۸۹).

آرمان‌شهر نظامی در سایه عدالت تحقق می‌یابد. هر جا شهروند بتواند به وظایف خود به نحو احسن عمل کند، کارگروهی نتیجه بدهد و برابری و انصاف در روابط بین فردی و فرد با جامعه حاکم باشد، آن جامعه به مرزهای مدینه فاضله نزدیک می‌شود. این فضیلت در داستان مذکور، در رفتار شخصیت‌های برجسته‌ای که در مقام پادشاهی هستند نمود می‌یابد. زمانی که شیرین به‌جای میهن‌بانو بر تخت پادشاهی تکیه می‌زند عدالت‌جویی او ستودنی است. شیرین، ملکه‌ای وظیفه‌شناس است و رفع نیازهای رعیت و برکندن آیین ستم از جامعه را وظیفه خود می‌داند.

ز مظلومان عالم جور برداشت همه آیین جور از دور برداشت

(همان: ۱۷۷)

او در راستای برقراری عدالت، از کسی خراج نمی‌ستاند و باج‌گیری را مردود می‌شمارد. ز هر دروازه‌ای برداشت باجی نجست از هیچ دهقانی خراجی

(همان)

از دید شاعر، حاکمی شایسته مدح است که در بین مردم به مساوات رفتار کند. در قطعه‌ای که خسرو از بزرگ‌امید طلب راهنمایی می‌کند، اولین مقوله مورد موردنظر وی عدالت و انصاف است. او خسرو را به عدل فرا می‌خواند و اذعان می‌دارد که اگر بتواند برابری را بین مردم برقرار کند، سلامت حکومت خود را تضمین خواهد کرد.

چو شه در عدل خود ننمودستی پدید آمد جهان را تندرستی

(همان: ۱۱۶)

در حکایت «اندرز شیرین خسرو را در داد و دانش» اولین پند شیرین به خسرو، دعوت به عدل و انصاف است و از او می‌خواهد نظر لطف به مردم داشته باشد و راه رعایت انصاف و عدل را در رعیت‌نوازی می‌داند:

جهان‌سوزی بد است و جورسازی تو را به گر رعیت را نوازی

(همان: ۲۷۴)

حاکمی که در مورد مردم، راه انصاف و نیکی را در پیش گیرد، مقامش در همه حال به دست مردم حفظ خواهد شد و مردم همواره او را به عنوان رهبری شایسته، بخواهند گزید:

خلاق را چو نیک‌خواه گردد به اجماع خلاق شاه گردد

(همان)

خسرو فرزند حاکم عادل است که از اجرای عدالت حتی در خصوص فرزند نیز چشم نمی‌پوشد. آوازه عدل خسرو پس از رسیدن به حکمرانی، جهان را فرا می‌گیرد؛ چون الفبای عدالت را نزد پدر آموخته است:

از آن حضرت چو بیرون رفت خسرو جهان در ملک داد آوازه نو

رخش سیمای عدل از دور می‌داد جهان داری ز رویش نور می‌داد

(همان: ۱۱۸)

شیرین نیز وقتی بر اریکه سلطنت تکیه می‌زند به عدل ستوده می‌شود. نظامی معتقد است رهبری چه به دست زنان باشد و چه به دست مردان، باید به رنگ عدالت برجسته گردد.

ز عدلش باز با تیهو شده خویش به یک جا آب خورده گرگ با میش

رعیت هرچه بود از دور و پیوند به دین و داد او خوردند سوگند

(همان: ۱۷۷)

خویشتن‌داری، توانایی اراده‌ی فرد برای «نه» گفتن و عملی کردن آنچه مقبول است، می‌باشد. این فضیلت، یک سازوکار نیرومند درونی است که کنش‌های اخلاقی آدمی را هدایت می‌کند تا انتخاب‌هایی درست و معقول داشته باشد. خویشتن‌داری، آدمی را از شکل‌گیری اعمال بالقوه‌ی مخاطره‌آمیز محافظت می‌کند و به‌عنوان یک توانمندی اساسی، بر ابزار مناسب و متعادل دست‌یابی به خواسته‌ها و تمایلات دلالت دارد. افراد میانه‌رو در برآورده کردن نیازهای خود، به نحوی عمل می‌کنند که به خود و دیگران آسیب نرسانند (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۹۳). خودکنترلی، آینده‌نگری (دوراندیشی)، بخشش و گذشت و فروتنی (تواضع) قابلیت‌های این فضیلت هستند. اعتدال و میانه‌روی از جمله‌ی فضایل مثبت است که زیاده‌خواهی‌ها را کم‌رنگ کرده و تفریط را معتدل می‌کند. سلیگمن برای فضیلت میانه‌روی سه شاخص عمده را در نظر می‌گیرد: کنترل رفتار، آینده‌نگری و فروتنی (حسینعلی‌زاده، ۱۳۹۹: ۲۱).

در این داستان رویدادهایی وجود دارد که نمایان‌گر رفتار کنترل شده‌ی شخصیت‌ها است. رفتار شیرین در برابر عشق خسرو نمونه‌ی بارز خویشتن‌داری است. شیرین، زنی دل‌باخته است و در پی خسرو، روز و شب را به هم گره می‌زند. رفتن او به‌سوی کاخ خسرو، نشان از عشق او دارد:

که بسم الله به صحرا می‌خرامم مگر بسمل شود مرغی به دامنم
(همان: ۱۳۱)

اما آنچه اهمیت دارد کنترل رفتار شیرین در برابر این اشتیاق زاید الوصف است. اولین توصیه‌ی مهین‌بانو به شیرین، به محض آگاهی از شور عشق، خویشتن‌داری است زیرا رفتار کنترل‌شده، مهم‌ترین اصل در یک رابطه‌ی عاشقانه است.

گر این صاحب جهان دل داده تست شکاری بس شگرف افتاده تست
ولیکن گر چه بینی ناشکیبش نبینم گوش داری بر فریبش
(همان: ۱۵۲)

کنترل رفتار شیرین تا جایی است که حاضر می‌شود خسرو روی از او بگرداند و ترک او گوید. این ترک، عواقب ناگواری برای شیرین دارد. خسرو به جانب روم می‌رود و با دخت پادشاه روم- مریم- پیوند زناشویی می‌بندد. شیرین با شنیدن این خبر لحظه‌ای از تصمیم خود احساس ندامت نمی‌کند؛ هرچند اندوه فراق به شدت او را می‌آزارد اما کنترل رفتار خود را از دست نمی‌دهد. این خویشتن‌داری در رابطه با عشق فرهاد نیز در رفتار شیرین مشاهده می‌شود. نوع برخورد شیرین با فرهاد، از جنس رابطه کارفرما و کارگر و به‌گونه‌ای

است که تسلیم و سوسه‌های دل نشود.

..گشاد از گوش با صد عذر چون نوش
شفاعت کرد کاین بستان و بفروش
چو وقت آید کزین به دست یابیم
ز حق خدمت سربرنتابیم

(همان: ۱۹۵)

آخرین رفتار کنترل‌شده شیرین که در داستان برجسته می‌نماید واکنش وی در برابر مرگ خسرو است. شیرویه، نهانی از شیرین خواستگاری می‌کند. شیرین به‌رغم آزدگی، خویشن‌داری می‌کند؛ پیکر خسرو را می‌آراید و خود با ظاهری آراسته در ملاء عام ظاهر می‌شود تا عموم مردم گمان برند شیرین از مرگ خسرو غمگین نیست.

گمان افتاد هر کس را که شیرین
ز بهر مرگ خسرو نیست غمگین

(همان: ۲۸۸)

شیرین می‌داند که آگاه شدن مردم از قصدش، آشوبی به‌دنبال خواهد داشت و شیرویه مانع مرگ او خواهد شد؛ پس با سرپوش نهادن بر احساسات خویش، بعد از تمام شدن آیین تشییع خسرو، به دخمه وی رفته، دشنه بر دل زده و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند:

بدان آیین که دید آن زخم را ریش
همان جا دشنه‌ای زد بر تن خویش

(همان: ۲۸۹)

شاعر در بخش «اندرز و ختم کتاب» برای خویش طلب تواضع دارد و لزوم این امر را به خواننده، یادآور می‌شود.

نظامی هان و هان تا زنده باشی
چنان خواهم چنان افکنده باشی
نبینی در که دریاپرور آمد
از افتادن چگونه بر سرآمد

(همان: ۲۹۹)

۲-۳-۶- تعالی

تعالی توانمندی‌های هیجانی است که بر چیزی فراتر و بالاتر از شما تأکید دارد و موجب اتصال به چیزی بزرگ‌تر و پایاتر می‌شود (سلیگمن، ۱۳۹۸: ۴۹۷)؛ بنابراین متضاد پوچ‌گرایی است. کسی که لایق تعالی است باید پاک و مقدس و به‌دور از ریا باشد و چنین شخصی شایسته احترام و قدردانی است (کار، ۲۰۰۴: ۵۵-۵۴). تحسین زیبایی‌ها و نیکی‌ها، قدرشناسی، امید (خوش‌بینی، جهت‌گیری آینده‌محور)، معنویت (مذهبی بودن) و شوخ‌طبعی از قابلیت‌های این فضیلت هستند (پیترسون و سلیگمن، ۱۳۹۶: ۶۱-۵۹). درک و دریافت زیبایی و کمال، شامل همه پدیده‌های مادی و معنوی می‌شود.

اولین نمود زیبایی در این منظومه، درک زیبایی‌های تحسین‌برانگیز شیرین است.

شب افزوزی چو مهتاب جوانی سیه‌چشمی چو آب زندگانی
کشیده قامتی چون نخل سیمین دو زنگی بر سر نخلش رطب چین...

(همان: ۱۱۹)

آدمی به اندازه‌ی شکرگزاری در برابر حق، از تعالی روح برخوردار خواهد شد. حس سپاس‌گزاری، روح را از انواع دغدغه‌های بیماری‌زا رهایی می‌دهد و آن‌را در مسیر ترقی قرار می‌دهد.

گرت خواهیم کردن حق‌شناسی نخواهی کردن آخر ناسپاسی

(همان: ۱۰۱)

امید، خمیرمایه‌ی اشعار نظامی است. کسی که با نگاهی امیدوار به رویدادهای هستی می‌نگرد، اتفاقات تلخ او را به وادی ناامیدی نمی‌کشاند، او می‌داند که جهان سرشار از تلخی‌ها و شادکامی‌هاست.

درستش شد که این دوران بد عهد بقم با نیل دارد سرکه با شهد
هوای خانه‌ی خاکی چنین است گهی زنبور و گاهی انگبین است
عمل با عزل دارد مهر با کین ترش تلخی ست با هر چرب و شیرین

(همان: ۱۴۷)

نظامی به نقش مهم دین و مذهب در پرورش جوامع اعتقاد دارد. دین موجب شناخت و ارتباط بیشتر مردم از یک‌دیگر می‌شود. پیر گنجه باور دارد که یکی از راه‌های رسیدن به تعالی، ترک خود و روی گردانی از هواهای نفسانی است.

خدا از عابدان آن را گزیند که در راه خدا خود را نبیند
نظامی جام وصل آنکه کنی نوش که بر یادش کنی خود را فراموش

(همان: ۹۸)

اعتقاد نظامی به نقش حس شادمانی در زندگی، زمانی نمایان می‌شود که شاپور بعد از ملاقات شیرین، وقتی نزد خسرو می‌آید، اولین ویژگی شیرین را شاد بودن او ذکر می‌کند. ندارد شوی و دارد کامرانی به شادی می‌گذارد زندگانی

(همان: ۱۱۹)

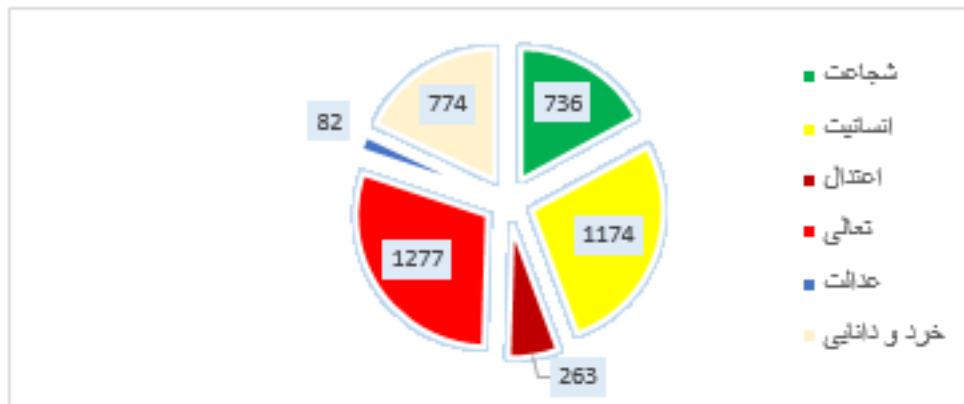
تسبیح خداوند، کلید گشایش است. نظامی باور دارد که ذکر خدا، راه گنج را بر او می‌گشاید. اگر کسی صبح‌دم خدا را ذکر گوید هرچه خواهد بدان دست یابد.

در آن ساعت که باشد نشو جان‌ها گل تسبیح روید بر زبان‌ها
 زبان هر که او باشد برومند شود گویا به تسبیح خداوند
 (همان: ۲۲۵)

۳- نتیجه‌گیری

بر اساس پژوهش حاضر در منظومه‌ی خسرو و شیرین فضیلت خرد و دانایی در رفتار و اعمال و گفتار شاعر، خسرو، شیرین، بزرگ امید و مهین بانو بیش از سایر شخصیت‌ها جلوه‌گری می‌کند. فضیلت شجاعت زمانی در این اثر متجلی می‌شود که نظامی، رفتار شجاعانه‌ی خسرو در میادین نبرد را به تصویر می‌کشد. علاوه بر این شجاعت کلامی شیرین در برابر خسرو و شهامت زنانه‌ی او در ابراز عشق، راستی و صداقت در ابراز عشق از سوی خسرو و شیرین و پشت‌کار و جدیت خسرو در به دست آوردن شیرین نیز از نمونه‌های این فضیلت محسوب می‌گردد. فضیلت انسانیت در این اثر با شش ویژگی در شخصیت‌های اثر نمود می‌یابد. مهربانی در حق دیگران، یاری دادن، بخشندگی، مهرورزی در عین قدرت، ستایش عشق و پرهیز از کینه‌ورزی. شیرین در این اثر، زنی مهربان و دیگرنواز است که از مهرورزی به عاشق دریغ نمی‌کند، خسرو نیز از این مهم غافل نیست و این امر در رابطه با مریم و فرهاد نیز نمود دارد. ستایش عشق در این اثر، سیمایی مقدس به آن بخشیده است. خسرو در این اثر نماد عدالت است. پدرش - هرزمانی - که متوجه خطا در رفتار خسرو می‌شود او را مانند دیگران تنبیه می‌کند. این رفتار هرمز، دلیلی بر اهمیت انصاف و عدالت در این داستان است. نظامی، ممدوحان خود را به‌دلیل رهبری شایسته آنان می‌ستاید. به باور شاعر رهبری شایسته در گرو جامعه‌ی عدالت محور است. اهمیت فضیلت اعتدال و لزوم توجه به مقوله‌ی قناعت در این اثر ستایش شده است. بارزترین نمونه‌ی کنترل رفتار، در خویشنداری شیرین در برابر عشق خسرو نمایان است. شیرین با بهره‌گیری از نصایح مهین بانو، از تن دادن به خواسته‌های خسرو طفره می‌رود و شخصیت خود را فدای تمایلات آنی نمی‌کند و از عهده‌ی این مهم به‌خوبی برمی‌آید. فضیلت تعالی در خسرو و شیرین با رفتارها و تمایلاتی اعم از درک زیبایی و تحسین آن، معنویت‌گرایی، سپاس‌گزاری، امیدواری، بخشودگی و شوخ‌طبعی همراه است. در این داستان، زیبایی شیرین ستوده می‌شود و مبارزه با تمایلات نفسانی با پوشش معنویت‌گرایی و امیدواری شخصیت‌های داستان در مسیر عشق و تمایل به نشاط و شادمانی مورد توجه است. به نظر شاعر برخورداری از انواع سلامت جسمی و روانی و در کنار آن بهره‌مندی از روابط سالم اجتماعی همچنین تلاش، منجر به موفقیت از مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده شادی در افراد است و شاعر سعی کرده در اثرش این نکات را

در رفتار و کنش‌ها و تمایلات شخصیت‌ها نشان دهد.



نمودار ۱. فضایل شش‌گانه نظریه‌ی سلیگمن در داستان خسرو و شیرین نظامی

منابع

- ۱- اخروی، مهدی. محمد، بهنام‌فر. (۱۳۹۵). تحلیل روان‌شناختی مخزن‌الاسرار نظامی گنجوی، یازدهمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت، صص ۳۸۴-۴۱۴.
- ۲- اسماعیلی، مریم. یزدانی، محمد. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی فضایل اخلاقی شش‌گانه در روان‌شناسی مثبت و نهج‌البلاغه»، فصل‌نامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۱۱، شماره ۲۰، صص ۱۴۹-۱۷۵.
- ۳- امام علی (ع). (۱۳۹۶). نهج‌البلاغه، مترجم حجه الاسلام محمد دشتی، قم: نشتا.
- ۴- پیترسون، کریستوفر. مارتین، سلیگمن. (۱۳۹۶). روان‌شناسی مثبت فضایل و توانمندی‌های شخصیت، ترجمه کوروش نامداری، مهدی آیتی، گلی‌تا امساک‌ی و مهسا موحد ابطحی، جلد اول، چاپ دوم، اصفهان: یار مانا.
- ۵- ثروت، منصور. (۱۳۷۲). مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، جلد ۲، چاپ اول، تبریز: انتشارات دانشگاه.
- ۶- حسین‌علی‌زاده، آسیه. (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی مولفه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر در بوستان سعدی بر اساس نظریه مارتین سلیگمن، پنجمین کنفرانس علمی رهیافت‌های نوین در علوم انسانی ایران، دوره پنجم، ۱۳۹۹.
- ۷- خوشحال، طاهره. عباسی، زهرا. (۱۳۹۶). «مردم‌گرایی و نوع‌دوستی در عرفان

اسلامی و مقایسه‌ی آن با روان‌شناسی مثبت»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)، سال یازدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۳، صص ۲۹-۵۴.

۸- درپر، مریم. محمدجعفر، یاحقی. (۱۳۸۹). «تحلیل روابط شخصیت‌ها در لیلی و مجنون نظامی»، مجله بوستان ادب (مجله علوم اجتماعی و انسانی سابق)، شماره سوم، دوره دوم، پیاپی ۱ (۵۹)، صص ۶۵-۸۹.

۹- وحید دستگردی، حسن. (۱۳۹۸). خسرو و شیرین، چاپ هجدهم، تهران: قطره.

۱۰- سلیگمن، مارتین، از شادکامی تا بالندگی، مترجم زهره قربانی، تهران: سایه سخن، ۱۳۹۸.

۱۱- سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۷). شادمانی درونی (روان‌شناسی مثبت‌گرا در خدمت خوشنودی پایدار)، مترجمان مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری، چاپ هشتم، تهران: دانژه.

۱۲- عینی، نسرين. (۱۳۹۵). «بررسی عناصر نشانه‌شناختی امیدواری در غزلیات حافظ با تکیه بر روان‌شناسی مثبت‌گرا»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال هشتم، شماره‌های پیاپی ۲۶ و ۲۷، صص ۲۷۹-۳۰۹.

۱۳- کار، آلن. (۱۳۸۵). روان‌شناسی مثبت علم شادمانی و نیروی انسانی، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: سخن.

۱۴- گلی‌زاده، پروین. محمد، یزدان‌جو. مینا، مساعد. (۱۳۹۵). «تحلیل اندیشه‌های مثبت‌گرایانه در مثنوی معنوی از منظر علم روان‌شناسی»، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر دریا)، سال دهم، شماره اول، صص ۱۱۰-۱۲۸.

۱۵- محمدی ده‌چشمه، حمزه. اسماعیل، صادقی. فریبا، معینی. (۱۳۹۸). «تصویرپردازی‌های هنرمندانه نظامی از مولفه‌های منظومه خسرو و شیرین»، پژوهش‌های دستوری و بلاغی، شماره ۱۵.

۱۶- مگیارمونی، جینا.ال. (۱۳۹۹). فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا راهنمای درمانگران، مترجم دکتر فرید براتی سده، تهران: رشد.

۱۷- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۸). کلیات خمسۀ نظامی گنجوی، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ اول، تهران: نگاه.

18-Car Alan (2004). Positive Psychology, The science of happiness and human strengths, Brunner-Routledge, New York.

19-Fredrickson, B. L. (2001), the role of positive emotions in positive psychology: The broaden-and-build theory of positive emotion. *American Psychologist*, 56, 218_226.